

حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی

(واکاوی اسناد نسل‌های چهارگانه محاکم بین‌المللی کیفری)^۱

محسن قدیر^۲

زهرا مهدوی^۳

محمد ستایش‌پور^۴

چکیده

خشونت جنسی علیه زنان، از دیرباز وجود داشته و امروزه نیز جامعه بین‌المللی نظاره‌گر ارتکاب آن است. محاکم بین‌المللی کیفری که رسالت خود را مقابله با بدون کیفر ماندن جنایات بین‌المللی در معنای عام آن می‌دانند، اندک اندک، به سمت و سویی رفته‌اند که به صراحت، خشونت علیه زنان را به مثابه جرم، داخل در صلاحیت ذاتی دادگاه دانسته‌اند؛ حال آن که پیش‌تر، این گونه نبوده است. روند تکاملی این مهم به سویی است که کسانی را که درصدد برهم زدن نظم بین‌المللی باشند، از تعقیب در امان نگذارد. مقاله پیش‌رو از رهگذر تدقیق در اسناد نسل‌های چهارگانه این مراجع قضایی به امکان‌سنجی مقابله بین‌المللی کیفری با پدیده شوم خشونت جنسی علیه زنان در انحاء گوناگون آن پرداخته و دریافته است سازوکارهای بین‌المللی در مقابله با بی‌کیفرمانی خشونت جنسی به رغم دستاوردهایی که داشته، نتوانسته است مانع از تحقق هرگونه خشونت جنسی گردد. در این راه مقتضی است با به کارگیری عبارتهای دقیق و روشن و دور از کلی‌گویی، به جرم‌انکاری مصادیق گوناگون خشونت جنسی علیه زنان پرداخته شود.

واژگان کلیدی

حمایت از زنان، خشونت جنسی، نسل‌های محاکم بین‌المللی کیفری، بدون کیفر ماندن، سازوکارهای حقوقی بین‌المللی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۸/۹

mnghadir@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

۳- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

z.mahdavi.beh@gmail.com

mohamadsetayeshpur@yahoo.com

۴- پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران

مقدمه

حقوق بین‌الملل کیفری یکی از زمینه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که در قیاس با دیگر زمینه‌های حقوق بین‌الملل عمومی نظیر حقوق بین‌الملل معاهدات و حقوق دیپلماتیک و کنسولی، جدید به حساب می‌آید. پیشینه اصلی حقوق بین‌الملل کیفری به پیمان صلح ورسای باز می‌گردد. محاکم بین‌المللی کیفری، جلوه و تبلور اصلی حقوق بین‌الملل کیفری هستند. این مراجع قضایی چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی با برخورداری از صلاحیت بین‌المللی در راستای نیل به غایت و مقصود نهایی مبارزه با بی‌کیفری، ظهور و بروز یافته‌اند تا از این رهگذر بشود صلح و امنیت بین‌المللی تضمین گردد. محاکم بین‌المللی کیفری صرف نظر از زمان پیدایش آن‌ها به چهار نسل جداگانه تقسیم می‌شوند که این تقسیم‌بندی در آموزه‌های حقوقی رواج دارد و در واقع، مطالعه را سامان می‌بخشد. بدین روی، مقاله حاضر نیز به حکم عقل و به اقتضای منطق از آن پیروی می‌کند.

تشکیل این دادگاه‌ها و نوآوری‌های موجود در تشکیل هر دادگاه، نمایانگر خرد و اندیشه‌ای نوین است (کسینجر، ۱۳۹۱، ص ۵۲). در نگاهی به تاریخچه تشکیل دادگاه‌های مزبور درمی‌یابیم که این نسل‌ها در مسیر تاریخی خود دچار تحول شده‌اند (قوامی، ۱۳۸۷، ص ۱).

مفهوم نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نشان‌دهنده آن است که این دادگاه‌ها در مسیر تحولات بین‌المللی در یک روند تکاملی قرار گرفته‌اند. نسل‌های اول، دوم و سوم این دادگاه‌ها، موقت هستند و نسل چهارم که تکامل‌یافته‌تر از نسل‌های قبل است، دیوان دایمی است. در این مسیر نقایص و مشکلات زیادی وجود دارد؛ اما تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند تسکین‌بخش آلام و رنج‌های میلیون‌ها انسان قربانی جنگ‌های خانمانسوز باشد (قدیر، ۱۳۹۵، ص ۳).

خشونت علیه زنان در دوره‌های تاریخی مختلف و حتی امروز در پهنه سرزمینی و فراسرزمینی وجود دارد و آمار آن، کم نیست. همچنین، متأسفانه انحای آن صرفاً به خشونت فیزیکی یا جنسی محدود نمی‌گردد و موارد عدیده‌ای از جمله قاچاق را شامل می‌شود (Divine, 2017, P.89-91). از آن جا که نوشتار پیش رو یک پژوهش کمی نیست، روش پژوهش به مفهوم تحقیقات کمی در آن وجود ندارد. راستی آزمایی فرضیه‌های

جستار حاضر، متضمن یک کار ذهنی است و از طریق توصیف، تحلیل منطقی و تطبیقی اسناد نسل‌های چهارگانه مراجع قضایی کیفری برخوردار از صلاحیت بین‌المللی و انگاره‌های حقوقی صورت می‌گیرد. یافته‌های این تحلیل، نه تنها بنیادین است بلکه به جهت آن که می‌تواند در شناسایی یا عدم شناسایی قواعدی از این دست مؤثر افتد، کاربردی و عملی نیز قلمداد می‌شود. بدین ترتیب، مقاله حاضر، با بررسی مفهوم خشونت جنسی علیه زنان و احصای مصادیق آن، به سازوکارهای موجود در محاکم بین‌المللی کیفری برای مقابله با آن می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- خشونت

خشونت در لغت به معنای غضب، درشتی و تندى کردن (نوری، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶۹)، ضد لینت و نرمی (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹۸۳۲) تعریف شده است. خشونت با قصد و نیت آشکار برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است البته در تعریفی دیگر از خشونت، رفتاری آگاهانه در نظر گرفته شده است که نتایج احتمالی آن ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است (عزازى، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

در تبیین چیستی خشونت، تعریف مورد وفاق وجود ندارد. این بدان سبب است که هر کسی از پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خاص به خشونت نگریسته است و یا در مقام تعریف، گونه و یا عرصه ویژه‌ای از خشونت را در نظر داشته است و یا حتی آنان که خشونت در ساحت معین - خشونت اجتماعی - را به تعریف نشسته اند به دلیل هم زیستی خشونت با زور، قدرت و نیرو، چه بسا داد و ستدهای مفهومی میان آنها صورت پذیرفته و از همین رو در تعریف خشونت گفته شده است، خشونت یعنی «استفاده از زور» (نویمان، ۱۳۹۰، ص ۱۹-۱۷) و یا «سوء استفاده از قدرت» (الهام، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

خشونت جنسی به صورت زیر تعریف می‌شود: هر گونه عمل جنسی، تلاش برای به دست آوردن عمل جنسی، نظرهای ناخواسته یا پیشروی جنسی، یا تجارت جنسی، یا کارهای صورت گرفته دیگری، بر خلاف تمایلات جنسی فرد با استفاده از اجبار، توسط

هر فرد بدون در نظر گرفتن رابطه خود با قربانی، در هر محیط، شامل خانه و محل کار اما نه محدود به آن (WHO, 2002, P.149).

۲- نسل‌های محاکم کیفری بین‌المللی

عنوان نسل‌های دادگاه بین‌المللی برای اولین بار از اثر کارل واساک^۱ اقتباس شده است (Vask, 1977, P.29).

در قرن بیستم شاهد تشکیل سه دسته دادگاه در حوزه کیفری بین‌المللی هستیم. دسته‌ای بموجب «معاهدات بین‌المللی»، بطور عمده با خواست دولت‌های پیروز جنگ، (نسل اول)، دسته دوم مبتنی بر «تصمیم سازمان ملل متحد» به نمایندگی از افکار عمومی جامعه جهانی (نسل دوم)، و دسته دیگر بر اساس «توافق» میان دولت محل وقوع جرم با سازمان ملل متحد (نسل سوم) تشکیل شده‌اند/مومنی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳. دیوان بین‌المللی کیفری نیز به عنوان نسل چهارم این محاکم یاد می‌شود.

نسل اول، دادگاه‌های مبتنی بر معاهدات هستند که به دادگاه فاتحان نیز شهرت دارد پس از جنگ جهانی اول و دوم تشکیل شدند، عبارتند از دادگاه عالی لایپزیک^۲ ۱۹۲۰، دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ ۱۹۴۵، دادگاه نظامی بین‌المللی خاور دور ۱۹۴۶. نسل دوم دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ۱۹۹۳ (ناکریان، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶) و دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا ۱۹۹۴ می‌باشد. در اینجا دادگاه توسط سازمان ملل و علی‌الخصوص شورای امنیت حمایت می‌شدند و صلاحیت دادگاه کیفری نسل دوم مقدم بر صلاحیت محاکم داخلی بود.

نسل سوم دادگاه‌های مبتنی بر توافق هستند که حاصل توافق دولت محل وقوع جرم با سازمان ملل متحد می‌باشند و گاه این توافق بدون مداخله شورای امنیت صورت گرفته است/مومنی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰) شامل دادگاه‌های ویژه: ۱- سیرالئون؛ ۲- تیمور شرقی؛ ۳- کوزوو؛ ۴- دادگاه فوق‌العاده کامبوج؛ ۵- دادگاه ویژه لبنان؛ ۶- دادگاه ویژه سنگال (قدیر، ۱۳۹۵، ص ۱).

1- Karel Vasak.

2- The Supreme Court of Leipzig.

نسل چهارم که دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد وجه مشخصه این دیوان نسبت به سایر محاکم کیفری، دائمی بودن آن است. مفهوم نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نشان‌دهنده این است که این دادگاه‌ها در سیر تحولات بین‌المللی در یک مسیر تکاملی قرار گرفته‌اند. نسل‌های اول و دوم و سوم این دادگاه‌ها موقت هستند و نسل چهارم که تکامل یافته‌تر از نسل‌های قبلی است، دیوان دائمی است (قدیر، ۱۳۹۵، ص ۱).

خشونت جنسی علیه زنان به مثابه جنایت بین‌المللی؛ تکامل مفهومی

خشونت با مفهوم پرخاشگری به کار گرفته می‌شود. پرخاشگری، اعمال خصمانه‌ای است که از روی عمد صورت می‌گیرد و به افراد و اشیا آسیب می‌رساند. خشونت انحای گوناگونی دارد و خشونت جنسی یکی از آنها و البته از شنیع‌ترین آنها دانسته می‌شود. خشونت جنسی، متضمن جنایات و جرایمی مانند تجاوز، حمله و سوء استفاده جنسی است که بیشتر متوجه دختران و زنان است؛ اما در مورد پسران و حتی مردها نیز مصداق می‌یابد که البته از دایره مطالعاتی این پژوهش خارج است. بسیاری از خشونت‌های جنسی علیه زنان به جهت ترس از آبرو مخفی می‌ماند. باری، تعریف حقوقی جنایات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است؛ ولی آنچه که می‌تواند موجب وحدت تعریف در خصوص خشونت جنسی گردد، حقوق بین‌الملل است (WHO/RHR/12.37, 2012, P.8-9).

خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه شامل اعمال متفاوتی مانند تجاوز به عنف، بهره‌کشی جنسی، حاملگی اجباری، قطع عضو جنسی، برده‌گیری جنسی، روسپی‌گری اجباری و قاچاق به منظور بهره‌کشی جنسی است. با وجود این، مرتکبان خشونت‌های جنسی در درگیری‌های مسلحانه، اغلب تا قبل از دهه ۱۹۹۰ مصون از مجازات بودند؛ زیرا این رفتارها نتیجه غیرقابل اجتناب یا غنیمت جنگی تلقی می‌شد و خشونت جنسی در شرایط مخاصمات مسلحانه از رفتارهای معمول بوده است. خشونت جنسی شامل هر نوع خشونت علیه زنان، دختران، پسران و مردان معرفی شده است که بر اساس تفاوت‌های اجتماعی به آنها نسبت داده می‌شود. این اعمال شامل هر نوع آسیب فیزیکی، روانی، جنسی یا تهدید به

چنین اعمالی مانند محرومیت از آزادی است.

اعمال تجاوز جنسی که گاه به صورت گروهی و سیستماتیک^۱ صورت می‌گیرد، تاکتیک وحشیانه‌ای است که برای ارباب و سرکوب زنان از طریق اعمال تجاوز جنسی علیه آنان و به عنوان یک وسیله و ابزار جنگ روانی برای تحقیر دشمنان و تخریب روحیه آنان، در دوره‌هایی از جنگ یا نزاع‌های سیاسی داخلی به کار می‌رود. به علاوه، این شیوه به عنوان وسیله‌ای برای پاک‌سازی نژادی و قومی از طریق پست، مُنحَط کردن و تضعیف روحیه گروه قومی مورد آزار نیز به کار می‌رود. در این نوع تجاوزات، گاهی رهبران نظامی یا سیاسی، سربازان و نیروهای خود را به تجاوز غیرنظامیان تشویق می‌کنند. به موجب حقوق بین‌الملل، «تجاوز سیستماتیک» به منزل جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، و همچنین به عنوان یکی از مصادیق و ضوابط نسل‌زدایی شناخته می‌شود. خشونت علیه زنان در اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بدین شرح تعریف شده است؛ «هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که باعث بروز یا احتمال بروز صدمات و آسیب‌های جسمی، جنسی یا روانی و آزار زنان از جمله تهدید به انجام آن شود و نتیجه آن محرومیت اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در اجتماع یا زندگی خصوصی است» (A/RES/48/104, 1993, P.3)؛ این عمل می‌تواند توسط هر شخصی، بدون توجه به نسبتش با قربانی و در خانه یا محل کار صورت گیرد و این ارباب، می‌تواند طیف وسیعی از زور فیزیکی، ترس روانی، شکنجه و حتی تهدید به آسیب فیزیکی را شامل گردد. خشونت جنسی، بار روانی سنگینی را بر زنان تحمیل می‌کند؛ از قبیل خشم، ترس، شرم و اضطراب (Eboe-Osudi, 2012, P.92). خشونت‌های جنسی تحت طیف گسترده‌ای از اعمال، می‌تواند انجام شود؛ تجاوز در ازدواج، تجاوز در حین مخاصمات، ازدواج اجباری یا زندگی مشترک از جمله ازدواج کودکان، سوءاستفاده جنسی از کودکان و معلولان ذهنی یا جسمی و...؛ باز هم نمی‌توان خشونت جنسی را به موارد عنوان شده محدود کرد (WHO/RHR/12.37, 2012, P.7-10). خشونت با مفهوم پرخاشگری به کار گرفته می‌شود. پرخاشگری، اقدام خصمانه‌ای است که

1- Systematic Rape or Mass Rape

از روی عمد صورت می‌گیرد و به افراد و اشیا آسیب می‌رساند/شتری، ۱۳۸۵، ص ۱۰ و ۱۲). خشونت، هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان است که با انگیزه آسیب، رنج و لطمه زدن همراه باشد/مزاولی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳). با توجه به این تعاریف وجود رنج و آسیبی که از روی عمد صورت پذیرد، در مفهوم عبارت «خشونت جنسی» محرز است.

بر اساس رأی صادره از دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا در پرونده آکایسئو^۱ خشونت جنسی عبارت است از «هر عملی که با خصیصه جنسی علیه شخصی در اوضاع و احوالی اجبارآمیز ارتکاب یافته باشد» (ICTR Judgment, 1998, P.34). خشونت جنسی محدود به تهاجم فیزیکی علیه تمامیت جسمانی یک فرد نیست و ممکن است شامل اعمالی گردد که عمل آمیزش جنسی و حتی کوچک‌ترین تماس فیزیکی در آن دخیل نباشد؛ همچنانکه شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده آکایسو بر این امر صحه گذارده است؛ دادگاه در این پرونده، بعد از آن که بیان می‌کند خشونت جنسی محدود به تهاجم فیزیکی نیست (خاک، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹)، اقدام به عریان کردن یک زن و اجبار وی به انجام حرکات ژیمناستیک بدون لباس در محوطه عمومی و در حضور جمعیت را مصداق خشونت جنسی می‌داند (ICTR Judgment, 1998, P.32).

برخی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع خشونت علیه زنان پرداخته‌اند، عبارت هستند از اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،^۴ کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج،^۵ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان،^۶ نظریه تفسیری شماره ۱۹ کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان،^۷ پروتکل اختیاری کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان،^۸ اعلامیه حمایت از زنان و کودکان

1- Akayseu

2- Universal Declaration of Human Rights

3- International Covenant on Civil and Political Rights

4- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

5- Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages

6- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

7- Committee for the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW), General recommendation No. 19

8- Optional Protocol to the Convention on the Elimination of Discrimination against Women

در وضعیت اضطراری و مخاصمه مسلحانه^۱، پروتکل کنوانسیون علیه جرایم سازمان‌یافته در مورد قاچاق زنان و کودکان^۲، اصول رهنما در مورد حقوق بشر و قاچاق انسان^۳، کنوانسیون مقابله با قاچاق انسان و استثمار از طریق فحشای دیگران^۴، اعلامیه محو خشونت علیه زنان^۵، کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از قربانیان در زمان جنگ^۶ و پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در رابطه با حمایت از قربانیان در مخاصمات غیر بین‌المللی^۷. علاوه بر اسناد بین‌المللی مذکور، در سطح منطقه‌ای نیز اسنادی مرتبط با موضوع خشونت علیه زنان به تصویب رسیده است که کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (۲۰۱۰)^۸ و کنوانسیون آمریکایی پیشگیری، مجازات و محو خشونت علیه زنان^۹ مهم‌ترین آنها دانسته می‌شوند.

در جستجوی سازوکاری برای مقابله با بدون کیفر ماندن خشونت علیه زنان

یکی از اولین تلاش‌ها برای مبارزه با مرتکبان این گونه اعمال در سال ۱۹۱۹ انجام گرفت و کمیسیونی برای رسیدگی به گزارش‌های موجود راجع به تجاوز افراد ارتش آلمان به زنان فرانسوی و بلژیکی تشکیل شد که البته این امر بنا به ملاحظات سیاسی پی‌گیری نگردید. جنگ جهانی دوم نیز شاهد اعمال خشونت‌های جنسی فراوان از سوی سربازان روسی و ژاپنی و تا اندازه‌ای آلمانی‌ها بود. این جرایم نیز پس از پایان جنگ به طور جدی پیگیری

1- Declaration on the Protection of Women and Children in Emergency and Armed Conflict

2- Trafficking in persons, especially women and children Protocol to The Convention against Transnational Organized Crime

3- Recommended Principles and Guidelines on Human Rights and Human Trafficking : E/68/2002/Add.I

4- Convention for the Suppression of the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others

5- Declaration on the Elimination of Violence against Women

6- Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War

7- Protocol Additional to the Geneva Conventions of ۱۲ August ۱۹۴۹, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II

8- The Council of Europe Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence

9- Inter-American Convention on the Prevention, Punishment and Eradication of Violence Against Women "Convention of Belém Do Pará

نشده. در سال‌های اخیر در بنگلادش، کنگو، اکوادور، پرو، کشمیر، هائیتی، لیبیا، برمه، السالوادور، رواندا، ویتنام و یوگسلاوی سابق نیز جرایم جنسی علیه زنان به کرات اتفاق افتاده است (مؤذن زادگان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۵-۱۶).

در قرن بیستم، تحولات بسیاری در حقوق بین‌الملل در زمینه خشونت جنسی در زمان جنگ به وجود آمد. تجاوز جنسی از سال ۱۹۴۹ در ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به عنوان یک جنایت جنگی ملاحظه شد که به صراحت، تجاوز و فحشای اجباری در زمان جنگ را ممنوع کرده است (Geneva Convention, 1949, Art. 27). این ممنوعیت‌ها توسط پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به عهدنامه‌های ژنو تحکیم شدند (Protocols of Geneva Conventions, 1977). در ۱۹۹۸، دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا که توسط سازمان ملل تشکیل شد، تصمیمات تاریخ‌سازی گرفت که بر اساس آن تجاوز به عنوان یک جنایت نسل‌زدایی تحت قوانین بین‌المللی قرار گرفت. یکی از علت‌های این تحولات در عرصه قوانین بین‌المللی، وقوع تجاوزات سیستماتیک در فجایع جنگی طی جنگ جهانی اول، دوم و برخی جنگ‌های داخلی از جمله یوگسلاوی و رواندا بود (ICTR, 1994, Introduction and Art. 1).

۱- در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نسل اول

دو دادگاه در این نسل جای دارند: نورمبرگ و توکیو^۱. بر اساس اساسنامه دادگاه نورمبرگ، این دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایات ذیل را داراست: «جنایات علیه بشریت که عبارتند از قتل عمد، ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، اخراج و سایر اعمال غیرانسانی که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد، اعم از این که قبل یا در اثنای جنگ رخ داده باشد یا اذیت و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در ارتکاب جنایاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت محکمه قرار دارد یا در رابطه با این جنایات، اعم از این که ارتکاب آنها نقض قوانین داخلی کشور محل ارتکاب محسوب گردد یا خیر» (Nuremberg Tribunal, 1945).

۱- نام رسمی دادگاه توکیو «دادگاه نظامی بین‌المللی برای خاور دور» است (The International Military Tribunal for Far East).

مصادیق خشونت جنسی صریحا در منشور نورمبرگ ذکر نشده‌اند، ولی نحوه نگارش ماده ۶ بند ۳ راجع به «سایر اعمال غیرانسانی» ارتکاب یافته علیه جمعیت غیرنظامی به گونه‌ای است که می‌توان چنین جنایاتی را از آن برداشت کرد (عینی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۵۱ و ۵۴). همچنین جنایات جنگی علیه زنان که به صورت پراکنده و نه به روش سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده توسط جنایتکاران نازی در سرزمین‌های تحت اشغال ارتکاب یافته بودند، به صورت منظم به جایی گزارش نشدند و ذکر صریحی از این جنایات در اسناد مختلف به چشم نمی‌خورد. به رغم کنوانسیون‌های لاهه که به تکلیف دولت اشغالگر به «رعایت و حمایت از شرافت و حقوق خانوادگی غیرنظامیان» اشاره کرده‌اند و عرفی دانستن مفاد این کنوانسیون‌ها از جانب دادگاه، کیفرخواست‌های صادره به جنایات جنسی علیه زنان اشاره‌ای نکرده‌اند و در هیچ یک از محاکمات دادگاه نورمبرگ، این جنایات خاص و عاملان آنها مورد تعقیب و محاکمه قرار نگرفته‌اند و خشونت‌های جنسی صراحتا در هیچ یک از آرای دادگاه نورمبرگ ذکر نشده است؛ بلکه با جنایات جنسی به‌عنوان دلیل کلی قصور متهم برخورد گردیده است (مرتوس، ۱۳۸۴، ص ۴۱). زمانی که ارتکاب تجاوز به عنف علیه زنان فرانسوی در شهر نیس توسط نازی‌ها مطرح شد، دادستان فرانسوی گفت: «دادگاه مرا معاف کند از بیان جزئیات این مظالم» و به سراغ مطلب دیگری رفت.

در مجموعه کیفرخواست‌های محاکم جنگ جهانی دوم از جمله دادگاه نورمبرگ و توکیو، هیچ مقدره مستندی برای خشونت جنسی علیه زنان وجود ندارد و به طور مستقیم به تجاوز جنسی اشاره‌ای نشده است. شکست دادگاه نورمبرگ در تعقیب خشونت‌های جنسی در سطح مخاصمات بین‌المللی یکی از اتفاق نظرهای مشترک دادگاه‌های نظامی بین‌المللی در رابطه با جرایمی بود که قدرت‌های متحد، به‌ویژه اتحاد جماهیر شوروی در آن دست داشتند. از این رو، اقدامات فرماندهان نازی به‌خاطر ارتکاب خشونت جنسی در رسیدگی‌های دادگاه نورمبرگ پس از جنگ جهانی دوم، مشمول حقوق بین‌الملل کیفری قرار نگرفت.

بعد از این که در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ ژاپنی‌ها تسلیم گردیدند، متفقان فاتح، سیاستمداران و ژنرال‌های ژاپنی را به جرم جنایاتی که در خلال جنگ مرتکب شده بودند، به محاکمه کشیدند. گاهی از دادگاه توکیو به عنوان دادگاه آسیایی نورمبرگ نیز یاد می‌شود. مظنونان

جنایات جنگی ژاپن به‌عنوان مظنونان «الف»، «ب» و «ج» طبقه‌بندی شده بودند. مظنونان «الف» به جنایت علیه صلح، مظنونان «ب» به نقض جنایات جنگی قراردادی و مظنونان «ج» به شرارت‌های شناخته شده به‌عنوان جنایات علیه بشریت متهم شدند. تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت جنسی در اساسنامه دادگاه توکیو مورد تصریح قرار نگرفته است؛ اما دادگاه علی‌رغم این عدم تصریح، به محاکمه برخی سران نظامی و برخی مقامات غیرنظامی به اتهام ارتکاب جنایات جنسی پرداخت. دلیل این امر، وجود عبارت «سایر اعمال غیر انسانی» در بند ۳ ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو است؛ زیرا جنایات جنسی را می‌توان مصداق «سایر اعمال غیرانسانی» دانست (Tokyo Tribunal, 1946, Art 5). لذا دادگاه نظامی توکیو صلاحیت رسیدگی به جنایات جنسی علیه زنان را داشت. دادگاه بین‌المللی توکیو برای اولین بار در طول تاریخ به محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات جنسی علیه زنان پرداخت. در کیفرخواست‌های توکیو در لیست کلی جنایات، جنایت تجاوز نیز گنجانده شده بود (مرتوس، ۱۳۸۴، ص ۲۸۱-۲۹۰). گفتنی است حدود ۱/۵ درصد از اتهامات مذکور در کیفرخواست‌های متهمان به جنایات جنسی و عموماً به تجاوز به عنف اشاره داشتند. توجه به اتهامات تجاوز به عنف در کیفرخواست‌های دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو بیانگر اهمیت این جنایات به‌عنوان نقض آشکار عرف‌های مسلم جنگی و اصول حقوق بشردوستانه است. بررسی رویه قضایی دادگاه توکیو نشان می‌دهد که دادگاه توکیو، جنایت تجاوز به عنف را مستقلاً و صراحتاً به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی مورد تعقیب و محاکمه قرار نداده است؛ بلکه ارتکاب این جنایات توسط سربازان ژاپنی را در قالب تئوری «مسئولیت فرماندهان» و برای اثبات قصور و کوتاهی آنان در ممانعت از خودسری‌های زیردستان مورد محاکمه قرار داده است و دادگاه هیچگونه استدلالی در تأیید آن که این جنایات مستقلاً جنایت علیه بشریت یا نقض حقوق و عرف‌های جنگی قلمداد بشوند ارائه نداده است. این امر خود یکی از نقاط ضعف عملکرد دادگاه توکیو محسوب می‌شود (Takeda, 2010, P.134). با این همه، پیگیری خشونت جنسی به‌عنوان یک جنایت جنگی شایان توجه و حائز اهمیت است؛ زیرا راه را برای پیگرد خشونت جنسی در دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا در حدود ۵۰ سال بعد هموار ساخت.

۲- در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نسل دوم

طی مخاصمات سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ جهت تأسیس کشور صربستان بزرگ گزارش‌های وحشتناکی از موارد ارتکاب جنایت علیه بشریت و خصوصاً جرایم جنسی توسط صرب‌ها علیه سایر گروه‌ها، خصوصاً مسلمانان رسید. در پی این حوادث، دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق طی قطعنامه شماره ۸۰۸، ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ تأسیس شد (Brammertz and Jarvis, 2016, P.21). در این قطعنامه، شورای امنیت رفتار ناروا و غیرانسانی با زنان مسلمان در یوگسلاوی سابق را مورد تصریح قرار داد (S/RES/808, 1993, P.2). این دیوان نخستین مرجعی بود که جنایات خشونت جنسی را به عنوان جنایات جنگی و نقض فاحش قوانین انسانی به رسمیت شناخت و وظیفه دولت‌ها دانست تا متهمان را بیابند و به دادگاه بکشانند و یا مسترد کنند تا در جایی دیگر مجازات شوند؛ این اتفاقی نو بود. به‌دنبال تصویب این قطعنامه، دبیرکل سازمان ملل متحد گزارشی را در تاریخ ۳ می ۱۹۹۳ به شورای امنیت تسلیم کرد که مشتمل بر اساسنامه دادگاه بود و به موجب قطعنامه شماره ۸۲۷ به اتفاق آرا مورد تصویب شورای امنیت قرار گرفت (S/RES/827, 1993, P.1). در این قطعنامه، شورای امنیت صراحتاً به بازداشت و تجاوز به عنف گسترده و سازمان‌یافته زنان اشاره کرد و رسیدگی به جنایات جنسی علیه زنان را یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین علل ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی دانست. دادگاه یوگسلاوی، ۱۶۲ مورد کیفرخواست صادر کرد که ۵۸ مورد از آن‌ها به جرایم جنسی محکوم شدند. قضات این دادگاه، جرم تجاوز جنسی را در پرونده سلیبیسی به عنوان شکنجه (Celebici Case, 1998, P.4-7) و در پرونده فوکا به عنوان جرم علیه بشریت معرفی کردند و متهمان آن را به اتهام برده‌گیری جنسی برشمردند (Foca case, 2001, P.2-3). بردگی جنسی بدون این که تعریفی از آن ارائه شده باشد، بعدها به موجب شق ۶ بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان جنایت علیه بشریت ذکر شد (ICC Statute, 1998, Art. 7). برخی از حقوق‌دانان، مصادیق بردگی جنسی را شامل خرید، فروش، کرایه دادن، معاوضه و اعمال مشابه به منظور وادار کردن به اعمال جنسی تعیین کرده‌اند (صالحی، ۱۳۹۵، ص ۳۹-۴۰). طبق اساسنامه مرجع قضایی پیش‌گفته، این دادگاه از صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرایم ذیل

برخوردار است؛ نقض‌های فاحش مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، تخلف از قوانین و مقررات و عرف‌های جنگ، نسل‌زدایی، و جرایم علیه بشریت. ارتکاب خشونت‌های جنسی می‌تواند هر چهار مورد را به همراه داشته باشد؛ اما در الزام دادگاه به اعمال حقوق بین‌الملل عرفی در رسیدگی خود، بدان دلیل است که اگر رعایت معاهده‌ای خاص توسط یکی از طرف‌های درگیر در حین ارتکاب جنایت الزامی نباشد، محاکمه افراد مورد نظر منجر به نقض اصل قانونی بودن مجازات نگردد (de Brouwer, 2005, P.63). مطابق ماده ۱ اساسنامه، از جهت صلاحیت شخصی هیچ محدودیتی برای دادگاه وجود ندارد؛ ولی ماده ۶ اساسنامه، صراحتاً منظور از اشخاص را اشخاص حقیقی می‌داند. صلاحیت زمانی و مکانی: تخلفات در سرزمین یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ (ICTY, 1993, Art. 6).

جرایم علیه بشریت خصوصاً مصادیق خشونت جنسی به صورت گسترده و سازمان‌یافته طی درگیری‌های یوگسلاوی سابق توسط صرب‌ها علیه کروات‌ها و خصوصاً علیه مسلمانان اتفاق افتاده است؛ لذا به صورت یک اتهام ثابت در اکثر کیفرخواست‌هایی که علیه متهمان دادگاه‌های مزبور طرح گردیده است (Brammertz and Jarvis, 2016, P.341 and 342)؛ به طوری که می‌توان این دادگاه‌ها را از این نظر بی‌بدیل، استثنایی و اثرگذار از جهت جرم‌انگاری جرایم جنسی به شمار آورد. همچنین، در مورد دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا گفتنی است که در پی کشتارهای رواندا، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۹۱۸ مورخ ۱۷ می ۱۹۹۴ از دبیرکل خواست تا راجع به نقض حقوق بشردوستانه در رواندا به شورا گزارش دهد (S/RES/91:: UN Documents : Security Council Report, 1994, P.1-2). دبیرکل در ۲۱ می ۱۹۹۴ به شورای امنیت گزارش داد که اطلاعات موجود نشانگر تحقق نسل‌زدایی در رواندا بود. شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۹۵۵، ۱۹۹۴، به وظایف خود، تحت فصل هفت منشور ملل متحد (Ibid, P.3) و همچنین درخواست ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ دولت رواندا که طی آن تشکیل یک محکمه بین‌المللی برای محاکمه جنایتکاران درخواست شده بود، اشاره داشت.^۱ بیشترین قربانیان نسل‌زدایی در رواندا زنان و دختران توتسی بودند که مورد بدترین فجایع

1- UNSC Resolutions can be found at: <http://www.un.org/en/sc/documents/resolutions/1994.shtml>

خشونت‌های جنسی در آن کشور قرار گرفته بودند. تعداد دقیق تجاوزات جنسی انجام شده به دلیل شرم یا ترس قربانیان از بازگو کردن حقایق مشخص نیست؛ ولی برخی از ناظران گفته‌اند که تقریباً تمام زنان و دختران که از نسل‌کشی جان سالم به در برده بودند، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند (Nowrojee, 2007, P.357).

خشونت جنسی علیه زنان در رواندا اشکال گوناگونی به خود گرفته بود؛ تجاوزات فردی و گروهی از سوی نظامیان یا شبه‌نظامیان، بردگی جنسی یا ازدواج اجباری و مثله کردن اعضای بدن آن چنان به شکل وحشیانه انجام گرفت که بسیاری از متجاوزان درخواست می‌کردند که آنان را به قتل برسانند تا از این همه درد و شکنجه‌های رهایی یابند. صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا بر اساس مواد ۲، ۳ و ۴ اساسنامه مربوط به نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت و نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی دوم است (Geneva Convention, 1949, Art. 3; Protocol of Geneva Convention, 1977). دادگاه، طبق ماده ۲ اساسنامه، اشخاصی را که مرتکب جنایت نسل‌زدایی توسط افراد، تباری برای ارتکاب نسل‌زدایی، تهییج و تشویق مستقیم و علنی نسل‌زدایی، شروع یا مشارکت و همکاری در این جرم، جزو جرایم قابل مجازات شمرده است (ICTR, 1994, Art. 2). اشکال مختلف جرایم جنسی در رواندا ارتکاب یافت؛ ولی به غیر از جرم هتک ناموس و عنف، ذکر می‌شود از سایر جرایم خشونت جنسی در ذیل جرایم علیه بشریت وجود ندارد (de Brouwer and Ka Hon Chu, 2012, P.70). البته اساسنامه با ذکر عبارت «سایر اعمال غیر انسانی» توانست تمام دیگر خشونت‌ها را نیز در زمره صلاحیت موضوعی خود قرار دهد و در واقع، نقیصه پیش گفته را جبران کند. ماده ۴ اساسنامه، موارد تخلف از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم را جزء موارد قابل تعقیب از سوی دادگاه اعلام می‌کند. همچنین در این ماده، برخی از مصادیق نقض ماده ۳ مشترک و پروتکل‌های الحاقی از جمله آن مربوط به بیان مصادیق جرایم جنسی آمده است. البته بر اساس بند الف ماده ۴ نیز می‌توان مرتکبان جرایم جنسی را مورد تعقیب قرار داد: «تعرض به جان، سلامتی و آسایش جسم یا روان اشخاص به‌ویژه قتل عمدی و همچنین رفتار بی‌رحمانه از قبیل شکنجه، ایراد نقص بر اعضای بدن یا هر قسم دیگری از صدمات جسمانی» (ICTR, 1994, Art. 4).

لازم به یادآوری است که به سبب ماهیت داخلی بودن جنگ رواندا، اساسنامه دادگاه رواندا برخلاف اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، که نقض کنوانسیون‌های ژنو را تحت صلاحیت پیگرد دادگاه قلمداد کرده بود، صلاحیت دادگاه را فقط در مورد تخلف از ماده ۳ مشترک دانست (*Geneva Convention, 1949, Art. 3*). دادگاه رواندا رویه دادگاه یوگسلاوی را در مبارزه با جرایم جنسی مستند کار خود قرار داد؛ تا جایی که این اقدام توانست حقوق بین‌الملل کیفری در این عرصه را به نحو بی‌نظیری توسعه دهد. در همین دوران سایه قضاوت دادگاه رواندا بر جرم جنسی به عنوان جنایت بین‌المللی در پرونده آکایسو با موفقیت مواجه شد (*Akayesu case, 2001, P.26-27*). دادگاه در این رأی، بخشی از فرایند تاریخی جرایم جنسی را که از دادگاه یوگسلاوی شروع شده بود، در دستور کار خود قرار داد.^۱

قضات دادگاه در این پرونده برای مبارزه با جرایم جنسی از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند. در کیفرخواست اصلی به اتهام جرایم جنسی اشاره نشده بود و تحلیل دادگاه این بود که ریشه مسأله مطروح در تمایل دادستان به حذف اتهام جرم جنسی در عوض قبولی اتهامات دیگر از سوی متهم بوده است؛ ولی قضات به این رفتار دادستان واکنش نشان دادند. آنها چند اصلاحیه را برای اضافه کردن اتهامات جنسی به کیفرخواست از دادستان تقاضا کردند. قضات دادگاه در این پرونده، جرایم جنسی را به عنوان مؤلفه نسل‌زدایی و تجاوز را به عنوان نوعی شکنجه معرفی کردند (*Klip and Sluiter, 2003, P.692*).

۳- در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری نسل سوم

اساسنامه دادگاه ویژه برای سیرالئون^۲ نیز براساس رویه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی، رواندا و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، به تبیین و تحدید صلاحیت دادگاه در رسیدگی به جرایم ارتكابی پرداخته است.^۱ ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، صلاحیت

1- See <http://unictr.unmict.org/en/cases/ictr-96-4>

۲- از ابتدای مارس ۱۹۹۱ کشور سیرالئون وارد یک جنگ داخلی خونین شد لکن سرانجام در ۷ ژوئیه ۱۹۹۹ با امضای موافقتنامه صلح لومه (Lome peace Agreement) بین رئیس‌جمهور سیرالئون احمد

تعقیب جنایت علیه بشریت را به دادگاه اعطا کرده است/امیری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴). بررسی جرایم مذکور در ماده ۲ نشان می‌دهد که جرم ازدواج اجباری از جمله جرایم احصا شده در این ماده نیست (SCSL, 2000, Art.2)؛^۲ از این رو برای آن که این جرم به طور قانونی قابل تعقیب باشد، باید قابلیت تعمیم دسته «سایر اعمال غیرانسانی» به این جرم وجود داشته باشد.

بخش عمده‌ای از جرایم ارتكابی در مخاصمات سیرالئون را جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت به‌ویژه ازدواج اجباری تشکیل می‌دهد (Aptel, 2014, P.352). ازدواج اجباری منحصرًا مربوط به مخاصمه سیرالئون نمی‌گردد و چنین اعمالی در جنایات رواندا و اوگاندا نیز مشاهده شده بود (de Brouwer, 2005, P.60-64) اما این عمل برای اولین بار در دادگاه سیرالئون مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفت/امیری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۶). پدیده ازدواج اجباری توسط تعداد زیادی از متخصصان به عنوان جرمی چندلایه تعریف شده است. این جرم ممکن است شامل تجاوز، بردگی جنسی، حاملگی اجباری و کار اجباری گردد که هر یک از این جرایم به تنهایی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، ازدواج اجباری در ابعادی که در مخاصمه سیرالئون به وقوع پیوست، به طور کامل در قالب هر یک از جرایمی که در اساسنامه دادگاه پیش‌بینی شده، نمی‌گنجد. در واقع، ازدواج اجباری، جرمی فراتر از مجموعه‌ای از این جرایم است. گرچه شعبه بدوی دادگاه سیرالئون، ازدواج اجباری را نوعی بردگی جنسی می‌داند اما شعبه تجدیدنظر بر این باور است که به طور خاص، ازدواج اجباری متفاوت از بردگی جنسی است. شعبه تجدیدنظر برای اولین بار در تاریخ محاکم کیفری، ازدواج اجباری را بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کرد (Aptel, 2014, P.357) و به دلیل برخی فشارهای خارجی مجبور

تجان کابا و رهبر جبهه متحد انقلابی فودی سانکو، این درگیری‌ها پایان یافت. در ۴ اگوست سال ۲۰۰۰ شورای امنیت طی قطعنامه ۱۳۱۵ دادگاه ویژه سیرالئون را تاسیس کرد.

۱- ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون: دادگاه صلاحیت تعقیب متهمان جرایم زیر را در صورتی که در قالب حمله گسترده و نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی باشد، دارد: (۱) قتل، (۲) قلع و قمع، (۳) به بردگی گرفتن، (۴) اخراج، (۵) حبس کردن، (۶) شکنجه، (۷) تجاوز، بردگی جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی، (۸) آزار به دلایل سیاسی، نژادی و اعتقادی، (۹) سایر اعمال غیرانسانی.

2- Available at <http://www.rscsl.org/Documents/scsl-statute.pdf>

شد به بهانه آیین دادرسی، کلیه دلایل جرایم جنسی را در یکی از پرونده‌ها مستثنی از رسیدگی اعلام کند؛ اما جرایم جنسی در دادگاه سیرالئون به عنوان جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و عنصر مادی جنایت ژنوساید معرفی شدند (Laucci, 2007, P.121).

در خصوص شعب فوق‌العاده کامبوج^۱ نیز گفتنی است که رؤسای پیشین دولت کامبوج در دوره خمرهای سرخ، متهم به نسل‌زدایی اقلیت مسلمان و همین‌طور ویتنامی‌ها هستند (معظمی و نمایان، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰-۱۲۱)؛ همچنین به دلیل ازدواج اجباری و تجاوز مورد محاکمه قرار گرفته‌اند (Broadhurst et. al., 2015, P.53). بدین روی، این مرجع قضایی نیز به خشونت علیه زنان پرداخته است (Brickell, 2008, P.1670). همین‌طور، دادگاه ویژه سنگال^۲ که به منظور محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بسیار فجیعی که در زمان ریاست جمهوری حسین هابره در چاد ارتکاب یافته بود، تأسیس شد که مقر آن در داکار سنگال است (Williams, 2013, P.1156). توافقنامه اتحادیه آفریقا با سنگال به عنوان کشوری که حسین هابره به عنوان متهم ردیف اول ارتکاب این جرایم در آن یافت شده است، اساسنامه دادگاه مطروح دانسته می‌شود (Fall, 2014, P.127). در تقسیم‌بندی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، این دادگاه در زمره نسل سوم از این دسته‌بندی‌ها، یعنی محاکم مختلط یا ملی-بین‌المللی، جای می‌گیرد (رضایی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۹۰). این دادگاه برای رسیدگی به چهار جرم صلاحیت دارد: نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و شکنجه (Statute of the Extraordinary African Chambers, 2012, Art. 4 معظمی و نمایان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹-۱۴۰). تعاریف ارائه شده برای این جرایم نیز به صورت کلی دنباله‌رو مواد اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و سایر

۱- با تصویب «قانون تأسیس شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج به منظور پیگرد جرایم ارتکاب یافته در دوران حکومت دمکراتیک کامبوج» در ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۱ رسیدگی به این جنایات آغاز شده است. این دادگاه نخستین رای خود را در خصوص کینگ گوئگ ایو (Kaing Guek eav) معروف به دوخ (Duch) صادر کرده است.

۲- حسن هابره از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ رئیس‌جمهور چاد بود. رژیم تک‌حزبی او تخلفات بسیاری را بویژه علیه گروه‌های قومی مرتکب شد. از سال ۱۹۹۰ با به قدرت رسیدن ادریس دبی، حسن هابره از چاد به سنگال مهاجرت کرد و در آنجا اقامت کرد، اقدامات حقوقی علیه وی در اقامتگاه جدیدش آغاز شد در سال ۲۰۰۰ بلژیک نیز پروسه تحقیق را آغاز کرد. سرانجام با توافق میان سنگال و اتحادیه آفریقا شعب ویژه آفریقا تشکیل شد. براساس ماده ۱۶ اساسنامه شعب فوق‌العاده آفریقا قانون حاکم در وهله اول اساسنامه خواهد بود و برای مواردی که در اساسنامه تعبیه نشده است، قانون سنگال اعمال می‌شود.

دادگاه‌های بین‌المللی است. در تاریخ ۱۳ فوریه ۲۰۱۵، پس از انجام یک تحقیق که ۱۹ ماه به طول انجامید، قضات مدارک و شواهد کافی علیه هابره در خصوص جرایم علیه بشریت و شکنجه به عنوان عضوی از «اقدام جنایی مشترک» و جرایم جنگی بر اساس «مسئولیت فرماندهی» یافتند/ واحد آموزش مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران با همکاری افشاری، ۱۳۹۵، ص ۱^۱.

۴- در دیوان بین‌المللی کیفری (نسل چهارم)

در اساسنامه رم که در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسید، برای اولین بار تجاوز به عنف، بردگی جنسی، حاملگی اجباری، فحش‌های اجباری، عقیم‌سازی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی که از نظر شدت هم‌سنگ با آنها باشند، در قالب دو جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، جرم‌انگاری شدند. جرم‌انگاری جرایم جنسی در اساسنامه رم موسع بود. ارتکاب این جرایم هم در بستر و زمینه منازعات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی در قالب جرایم جنگی و هم در زمان صلح در قالب جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری شده است. بنابراین، جرایم جنسی اگرچه به صورت غالب، در زمان جنگ رخ می‌دهند، لیکن مقید و مشروط به این شرط زمینه‌ای نیست (Zinsstag and Busk-Nielson, 2017, P.87).

یکی از تفسیرهای مهم ارائه شده از سوی دادستانی دیوان، آن است که جرایم جنسی اگر همراه با سوء نیت خاص «نابودسازی» کلی یا جزئی یک گروه با هویت خاص ملی، مذهبی، قومی یا نژادی باشد، می‌تواند رفتار تشکیل‌دهنده «جنایت نسل‌زدایی» باشد (متاجی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)^۲. اساسنامه، لیست جامعی از جرایم جنسی را به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت پیش‌بینی کرده است. این اقدام تنظیم‌کنندگان اساسنامه دیوان پاسخی کوبنده به تحقیق و تعقیب ناکافی در حوزه جرایم جنسی و دیگر اشکال جرایم جنسی در سطح بین‌المللی تلقی شد. اساسنامه دیوان با این رویکرد، نه تنها جرایم جنسی را در صلاحیت دیوان قرار داد، بلکه آیین دادرسی ویژه‌ای را برای آن تنظیم کرد تا با این جرایم و قربانیان آن به نحو خوبی برخورد شود.

1- Available at <http://www.icicl.org/files/habre.pdf>

2- <http://www.icicl.org/details.asp?id=11>

به بیان دیگر، اساسنامه رم ابعاد گسترده‌ای را برای تعقیب این دسته از جرایم جنسی در دیوان ارائه کرد که تا آن زمان بی‌سابقه بود (ICC Statute, 1998, Art. 7). این اساسنامه نه تنها مجموعه ای کامل از جرایم قابل تعقیب جنسی بود، بلکه مقتضیات پرسنلی و سازمانی لازم را برای برخورد با این جرایم پیش‌بینی کرد. دیوان بین‌المللی کیفری، تا کنون به ۵ موضوع رسیدگی کرده است؛ شمال اوگاندا، کنگو، آفریقای مرکزی، دارفور (سودان)، و کنیا (اخیرا در رابطه با لیبی نیز واکنش نشان داده است). علیه ۱۴ نفر اعلام جرم کرده است که از بین آن‌ها ۷ نفر فراری، ۲ نفر مرده (یا تصور می‌شود مرده باشند)، ۴ نفر در بازداشت و یک نفر به طور داوطلبانه در دادگاه حاضر شده‌اند.

به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان برای رسیدگی به چهار جرم صلاحیت خواهد داشت: نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز (شریعت باقری، ۱۳۷۷، ص ۱۸۴-۱۸۵). درخور توجه‌ترین رأی دیوان در خصوص جرایم جنسی با پایان محاکمه «ژان - پیر بمبا»^۱ فرمانده یک گروه شبه نظامی در کنگو و محکومیت وی به ۱۸ سال زندان به دلیل ارتکاب جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در سال ۲۰۱۶ محقق شد.^۲ این نخستین بار بود که یک فرد بر اساس مدل «مسئولیت فرماندهی» به ارتکاب جرایم جنسی محکوم شده است و نخستین محکومیت در حوزه جرایم جنسی در دیوان نیز دانسته می‌شد. بر اساس مدل مسئولیت فرماندهی که از ابداعات نظام حقوقی دیوان است، یک فرمانده نظامی یا رهبر ارشد سیاسی در برابر رفتارهای مجرمانه نیروهای تحت کنترل خود دارای مسئولیت است، اگر با آگاهی از وقوع جرایم، به پیشگیری از آن‌ها اقدام ننماید یا پس از اطلاع، برای تعقیب کیفری مرتکبان کاری انجام ندهد. در اینجا دیگر آمریت و معاونت شرط نیست؛ بلکه عدم فعل و عدم اقدام، شاکله مسئولیت کیفری را تشکیل می‌دهد (Bemba Case, 2018, P.47-50).

در سطح دیوان بین‌المللی کیفری، پرونده توماس لوبانگو، اولین پرونده دارای اتهامات جنسی علیه کودک سربازان دختر است.^۳ در این پرونده ادعا شده بود که لوبانگو بنیانگذار

1- Jean-Pierre Bemba Gombo

2- See ICC., Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, Case No. ICC-01/05-01/08, 2018

۳- گفته می‌شود بیش از یک‌سوم کودکان سرباز در کنگو، دختر بوده‌اند؛ یعنی ۱۲۵۰۰ نفر از ۳۰۰۰۰ نفر که در طول درگیری به‌طور سازمان‌یافته‌ای قربانی خشونت‌های جنسی قرار گرفتند.

و فرمانده اتحادیه میهن‌پرستان کنگویی و فرمانده ارشد شاخه نظامی آن، متهم به جرایم جنسی است (Lubango Case, 2011, P.32). قضات در طول ۲۲۰ جلسه تحقیق به جرایم جنسی ادعایی لوبانگو به استماع شهادت ۳۶ شاهد علیه او پرداختند؛ دادستان با طرح برخی ابعاد جرایم جنسی صورت گرفته علیه کودک‌سربازان دختر، ادعا کرده بود که در این پرونده، جرایم جنسی صورت گرفته علیه کودک‌سربازان دختر نادیده گرفته نمی‌شود؛ اما با آن که حداقل ۱۵ تن از ۲۵ تن شهود بر وقوع جرایم جنسی علیه لوبانگو شهادت داده بودند، دادستان اعلام کرد که شهود تمایل چندانی به ادای شهادت برای اثبات جرایم جنسی لوبانگو ندارند و لذا تحت این شرایط او چاره ندارد که موقتا از تعقیب اتهامات لوبانگو در این زمینه صرف نظر کند.^۱ اتهام استفاده از کودکان سرباز زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه با اتهام مطرح نشده خشونت جنسی در کیفرخواست ارتباط مستقیم داشت و چه بسا استفاده از کودکان سرباز دختر در مخاصمات مسلحانه فقط محدود به سوء استفاده جنسی از آنها توسط سربازان بوده باشد/صالحی، ۱۳۹۵، ص ۳۷. بند ۱ ماده ۷ اساسنامه، مصادیق جنایت علیه بشریت را که به صورت بخشی از یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه یک گروه غیرنظامی و با آگاهی از آن، اجرا شود، مشخص کرده است. برخی از این مصادیق به خشونت جنسی مربوط هستند و عبارتند از: تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا سایر شکل‌های خشونت جنسی با سنگینی همسان.

یافته‌های پژوهش

دادگاه‌های بین‌المللی کیفری که اساسا درصدد کیفر هستند و در واقع جهت نیل به هدف مقابله با بدون کیفر ماندن تکوین و توسعه یافته‌اند، از رهگذر جرم‌انگاری خشونت علیه زنان و کیفر مرتکبان آن، به حمایت از زنان می‌پردازند. به رغم آن که این دسته از حمایت‌ها از

۱- فعالان حقوق بشری و حقوق زنان عقیده دارند دادستان به دلیل فقدان سیاست کارآمد در حوزه تحقیقات جرایم جنسی نتوانسته است از عهده کار برآید و بناچار صورت مسأله را پاک کرده است.

سوی مراجع قضایی در سطوح ملی و بین‌المللی، جنبه پساوقوع دارد، یعنی پس از وقوع جنایت مطرح می‌گردد و سخن از کیفر آن محلی از اعراب می‌یابد، ولی اعمال درست و صواب آن می‌تواند منتج به دو فایده اصلی گردد؛ نخست آن که می‌تواند به پیشگیری بینجامد و دیگری آن که مانع از هر چه جری‌تر شدن مرتکبان آن می‌شود.

مقابله با بدون کیفر ماندن خشونت جنسی علیه زنان در اسناد تأسیسی مراجع قضایی بین‌المللی کیفری، در گذر از تاریخ، تکامل یافته است و هر اندازه که به پیش می‌رود، بر دایره آن افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که مراجع قضایی بین‌المللی کیفری نسل نخست فاقد مقرر جادگانه‌ای در این زمینه بودند. دادگاه بین‌المللی توکیو که در زمره نسل اول از محاکم بین‌المللی کیفری است، برای اولین بار در طول تاریخ به محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات جنسی علیه زنان پرداخت. مراجع قضایی نسل دوم تنها از بردگی به عنوان جنایت علیه بشریت نام برده بودند؛ حال آن که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که در سال ۱۹۹۸ تنظیم شد، بردگی جنسی را به عنوان جنایتی مستقل از جنایت بردگی در نظر گرفت. در سیر تکامل باید توجه داشت که به رغم آن که دیوان بین‌المللی کیفری، نسل چهارم دانسته می‌شود، از آن جا که مقسم این نسل‌بندی‌ها تاریخ‌پیدایی نیست، برخی از محاکم بین‌المللی کیفری نسل سوم هستند که پس از آن ایجاد شده‌اند.

روند تکامل در مقابله با بدون کیفر ماندن خشونت علیه زنان تا جایی پیش رفته است که شعب فوق‌العاده آفریقایی به عنوان تازه‌ترین محکمه از سری محاکم بین‌المللی کیفری که به لحاظ نسل‌بندی‌های مطروح در نسل سوم جای دارد، اساساً یکی از رسالت‌های تکوین و تأسیس آن مقابله با بدون کیفر ماندن جنایت علیه زنان در چاد دانسته می‌شود. اسناد بین‌المللی، تمام موارد خشونت جنسی را به صورت صریح و شفاف بیان نکرده‌اند و در اکثر موارد به ذکر عبارت «سایر اعمال غیر انسانی» اکتفا کرده‌اند؛ در این میان، تنها اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بدون ارائه تعریفی از خشونت جنسی غالب این مصادیق را صریحاً بیان کرده‌اند.

ایراد اساسی که به این اسناد و حتی دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان تنها مرجع قضایی کیفری که در گستره جهانی از صلاحیت بین‌المللی برخوردار بوده و دائمی است، می‌توان

وارد کرد، این است که اسناد مطروح، اغلب مصادیقی از خشونت جنسی را بیان کرده‌اند که احتمال ارتکاب آنها در مورد زنان بیشتر از مردان است و کمتر به خصایص منحصر به فرد زنان که می‌شود هتک گردد، توجه نشان داده شده است. در این راه شایسته توجه است که حتی عقیم‌سازی اجباری در مورد مردان نیز محتمل است. بنابراین، در اساسنامه‌نویسی محاکم بین‌المللی، به ویژه آن دسته از مراجع قضایی نظیر شعب فوق‌العاده آفریقایی که اساساً رسالت خود یا دست کم یکی از رسالت‌های خویش را رسیدگی به جنایات ارتکابی علیه زنان می‌دانند، به این امر توجه بیشتری نشان دهند و با به کارگیری عبارت‌های دقیق و روشن و بدور از کلی‌گویی، به جرم‌انگاری آن بپردازند.



منابع

- اشتری، بهناز، *قاچاق زنان بزرگی معاصر* (۱۳۸۵)، تهران، میزان
- اعزازی، شهلا، *خشونت خانگی* (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات سامی
- امیری، فاطمه، «توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم انگاری ازدواج اجباری به عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون» (۱۳۸۹)، *مجله حقوقی بین‌المللی*، تهران، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۳
- الهام غلامحسین، «خشونت های قانونی و نظام های سیاسی» (۱۳۷۹)، *فصلنامه کتاب نقد*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۱۴-۱۵
- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن* (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات سخن
- خاک، روناک، «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌المللی کیفری» (۱۳۸۷)، *مجله حقوقی بین‌المللی*، تهران، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری شماره ۳۹
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه* (۱۳۷۷)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی» (۱۳۹۲)، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال چهارم، گیلان، گروه دانشگاه گیلان، شماره ۲
- ذاکریان، مهدی، *مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی* (۱۳۸۳)، تهران، نشر میزان
- شریعت باقری، محمد جواد، «نگاهی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی» (۱۳۷۷)، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی (دیدگاه‌های حقوقی)*، تهران، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری - قوه قضائیه
- صالحی، جواد، «رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر» (۱۳۹۵)، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۶۱
- عینی زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی
- قدیر، محسن، «ارزیابی نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری» (۱۳۹۵)، *کرسی نظریه‌پردازی علمی ترویجی دانشگاه قم، قابل مشاهده در:*

<https://www.qom.ac.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=۵۸۶aa۳a۲-c۴f-۲۴۳d۸-۵a۱-۸۳b۸b۱f۶۸۶be۱>

قوامی، جلال، *درس‌های که نمی‌آموزند* (۱۳۸۷)

www.ashti.nu

کسینجر، هنری، *دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱* (۱۳۸۱)، مترجم ابوالقاسم راه‌چمنی، ابرار معاصر

متاجی، محسن، «بررسی عنصر روانی جنایت نسل‌زدایی در پرتو رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کرواسی علیه صربستان» (۱۳۹۴)، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، تهران، پلیس بین‌الملل ناجا*، شماره ۲۳

مرتوس، جولی، *زن، جنگ و بحران* (۱۳۸۴)، ترجمه نجله خندق، نشر قصه معظمی، شهلا و نامیان، «پیمان، نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی؛ دستاوردها، هنجارها و چالشها» (۱۳۹۴)، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۱۱

مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ محمدعلی حیدری، و امین نیکومنظری، «خصومت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی» (۱۳۹۲)، *فصلنامه زن و فرهنگ*، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، شماره ۱۷

مومنی، مهدی، *حقوق بین‌المللی کیفری* (۱۳۹۳)، تهران، شهر دانش نویمان فرانکس، *آزادی، قدرت و قانون* (۱۳۹۰)، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی

هزاوه‌ای، محمدرضا، «معناشناسی خشونت» (۱۳۸۳)، *نشریه کتاب زنان*، شماره ۲۳ واحد آموزش مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران با همکاری لادن افشاری، پرسش و پاسخی درباره حسین‌ها بره (۱۳۹۵)

<http://www.icicl.org/search.asp?key=>

Aptel, Cecile, *Unpunished Crimes: The Special Court of Sierra Leone and Children* (2014), in Charles Chernor Jallah, *The Sierra Leone Special Court and its Legacy: The Impact for Africa and International Criminal Law*, Cambridge University Press, P.340-361
Brammertz, Baron Serge and Michelle, Jarvis, *Prosecuting Conflict-Related Sexual Violence at the ICTY* (2016), Oxford University Press

- Brickell, Katherine, *Free in the House: Gendered Experience of Drunkenness and Violence in Siem Reap* (2008). *Geoforum*, vol. 39, 1667-1675
- Broadhurst, Roderic, Bounhours, Thierry and Bouhours, Brigitte, *Violence and the Civilizing Process in Cambodia* (2015), Cambridge University Press
- de Brouwer, Anne-Marie and Ka Hon Chu, Sandra, *The Men Who Killed Me: Rwandan Survivors of Sexual Violence* (2012), Douglas and McIntyre Publishers
- de Brouwer, Anne-Marie, *Supranational Criminal Prosecution of Sexual Violence: The ICC and Practice of the ICTY and ICTR* (2005). Intersentia nv
- Divine, Grace, *No Safe for Women, Stop Violence Against Women: Challenge 2017* (2017), Create Space Independent Publishing Platform
- EAC, *Statute of the Extraordinary African Chambers* (2012)
- Eboe-Osudi, Chile, *International Law and Sexual Violence in Armed Conflicts* (2012), Martinus Nijhoff Publishers
- Fall, Mbacke, *the Extraordinary African Chambers: The Case of Hissene Habre* (2014). *Africa and the International Criminal Court*, P.117-131
- ICC, *Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, Case No. ICC-01/05-01/08* (2018)
- ICC, *Prosecutor v. Lubango, Case No. ICC-01/04-01/06-2748-Red* (2011)
- ICC, *Rome Statute of the International Criminal Court* (1998)
- ICTR, *Prosecutor v. Jeane-Paul Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T-2 sec.* (1998)
- ICTR, *Statute of the International Criminal Tribunal for the Rwanda and related Updates* (1994)
- ICTY, *Prosecutor v. Dragoljub, Kovac and Vukovic, Foca case, Case No. IT-96-23-T* (2001)
- ICTY, *Prosecutor v. Zejnir, Zdrakov, Hazim and Esad, Celebici case, Case No. IC-96-21-T* (1998)
- ICTY, *Statute of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia and the related Updates* (1993)
- IMTFE, *International Military Tribunal for the Far East Charter (Also known as the Charter of the Tokyo Trials or the Tokyo War Crimes Tribunal)* (1946)

- Klip, Andre and Sluiter, Goran, *Annotated Leading Cases of International Criminal Tribunals, The International Criminal Tribunal for Rwanda 2000-2001* (2003), vol.6, Intersentia
- Laucci, Acyril, *Digest of Jurisprudence of the Special Court for Sierra Leone: 2003-2005* (2007), Martinus Nijhoff Publishers
- Nowrojee, Binaifer, *A Lost Opportunity for Justice: Why Did the ICTR Not Prosecute Gender Propaganda?* (2007), in Allan Thompson, the Media and the Rwanda Genocide, *International Development Research Centre*, P. 275-362
- Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II)* (1977)
- Takeda, Kayoko, *Interpreting the Tokyo War Crimes Trial: A Sociopolitical Analysis* (2010), University of Ottawa Press - Articles
- Vask, Karel, A30. Year Struggle: the Sty stained effort to give force of law to the universal declaration of Human Rights (1977), *UNESCO Courier*
- Williams, Sarah, *the Extraordinary African Chambers in the Senegalese Court: An African Solution to an African Problem* (2013), *Journal of International Criminal Justice*, vol. 11, 1139-1160
- Zinsstag, Estelle and Buck-Nielson, *Virginie, Wartime Sexual Violence and Conventional and Restorative Justice Responses: The Potential of a 'Blended Approach' within Transitional Justice* (2017), in Estelle Zinsstag and Marie Keenan, *Restorative Responses to Sexual Violence: Legal, Social and Therapeutic Dimensions*, Routledge, 69-92
- SCSL. Statute of the Special Court for Sierra Leone (2000)
- UNGA. A/RES/48/104 (1993)
- UNSC. S/RES/808 (1993)
- UNSC. S/RES/827 (1993)
- UNSC. S/RES/918 (1994)
- UNSC. S/RES/955 (1994)
- WHO. World Report on Violence and Health (2002)

پایگاه‌های اینترنتی

<http://www.ana.ir/news> (last visited: 18.02.28)

<http://www.icicl.org> (last visited: 18.02.28)